

■ عشر و ده نیم (بررسی یکی از اصطلاحات مالی دوره صفویه)

ابوالفضل حسن آبادی

■ چکیده

اسناد، از منابع با ارزش تاریخی به شمار می آیند که تحقیق بر روی آنها می تواند بر طرف کننده بسیاری از ابهامات درباره دوره های مختلف تاریخی باشد؛ به خصوص اسناد دوره صفویه و آنچه درباره تشکیلات مالی آن دوران وجود دارد. در این مقاله، با رویکرد تحلیلی، به بررسی اطلاعات اسناد عشر و ده نیم، موجود در مرکز آستان قدس رضوی خواهیم پرداخت. در قسمت سندشناسی، به بررسی شکلی و محتوایی و ارزش های گوناگون اطلاعاتی اسناد می پردازیم؛ و در قسمت سندپژوهی با طرح سؤالاتی مانند معنا و مفهوم عشر و ده نیم در دوره صفویه، محل دریافت مبالغ، محل خرج کرد، و چگونگی وصول آن، سعی خواهد شد اطلاعات موجود در اسناد استخراج و با سایر منابع این دوره مستندسازی گردد. یافته های حاصل از این تحقیق نشان دهنده آن است که اطلاعات موجود در اسناد عشر و ده نیم در جای دیگری ذکر نشده و می تواند به عنوان منبع بالارزشی، در تاریخ اداری و مالی این دوره، از دیدگاه های گوناگون، مورد توجه محققان قرار گیرد.

کلیدواژه ها

اسناد/عشر و ده نیم/سیورغال/آستان قدس رضوی/صفویه

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و یکم، دفتر اول، (بهار ۱۳۹۰)، ۵۷-۳۴

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۸/۲۰ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۲/۱۵

عشر و ده نیم (بررسی یکی از اصطلاحات مالی دوره صفویه)

ابوالفضل حسن آبادی^۱

مقدمه

دوره صفویه، از نظر منابع اطلاعاتی شامل نسخ خطی و سفرنامه‌ها، یکی از دوره‌های غنی تاریخی به‌شمار می‌رود؛ اما متأسفانه از حیث اسناد مربوط به این دوره، به‌خصوص در داخل کشور، کاستی‌هایی وجود دارد. جای تأسف است که از دولت بزرگ صفوی، که از تشکیلات گسترده اداری برخوردار بوده، فقط در سفرنامه‌ها، منابع خطی، و اسناد کمپانی‌های خارجی یاد شده است. از سفرنامه‌های مهم این دوره، که حاوی اطلاعات باارزشی در زمینه تشکیلات اداری می‌باشند، می‌توان به *سفرنامه شاردن* (شاردن، ۱۳۷۵)، *سفرنامه سانسون* (سانسون، ۱۳۴۶)، و *سفرنامه کمپفر* (کمپفر، ۱۳۶۳) اشاره نمود که در آنها اطلاعات منحصر به فردی در زمینه ساختار، پست‌ها، و مناصب اداری آن دوران وجود دارد. از نسخ خطی این دوره نیز می‌توان به *تذکره الملوک* (میرزا اسمعیل، ۱۳۳۸) و *دستور الملوک* (میرزا فیعا، ۱۳۸۵) اشاره نمود که هرچند متعلق به اواخر دوره صفویه است اما تصویر روشنی از مقامات و مناصب اداری و کارکرد آنها به دست می‌دهد. در سایر منابع خطی، مانند *جنگ‌ها*^۲ و *منشآت*^۳ نیز می‌توان به اطلاعات باارزشی درباره این دوره دست یافت. کتاب‌های تاریخی مانند *خلاصه التواریخ* (منشی، ۱۳۵۹)، *عالم‌آرای عباسی* (ترکمان، ۱۳۷۷)، *دستور شهریاران* (نصیری، ۱۳۷۳)، و *وقایع‌السنین والعوام* (خاتون آبادی، ۱۳۵۲) نیز دارای آگاهی‌های پراکنده‌ای هستند که در تمامی آنها می‌توان به اطلاعاتی درباره اصطلاحات مالی دست یافت. در زمینه اسناد، تاکنون کار مدونی انجام نشده و برخی کارهای پراکنده شامل مقالاتی در این حوزه بوده است.^۴

۱. دانشجوی دکتری تاریخ محلی دانشگاه اصفهان.

yahoo.com@ahassanabady1

۲. *جنگ‌ها* از جمله منابع باارزشی هستند که کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته‌اند.

۳. در مجموعه منشآت دوره صفویه، گاه سواد فرامین باارزشی در زمینه اعطای سیورغال و تشکیلات اداری وجود دارد که بررسی آنها اطلاعات دسته اولی را برای محققان به ارمغان می‌آورد. از این منشآت می‌توان مخزن الانشاء، شماره ۱۵۹۸۷ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی؛ و مجموعه منشآت، شماره ۱۰۸۹۲ را نام برد.

۴. علت عدم انجام این کار را باید در نبود اسناد مدون و مرتبط جست‌وجو نمود. در اثر بوسه نیز با وجود بررسی اسناد سیورغال، به واژه *عشر و ده نیم* پرداخته نشده است. برای اطلاع بیشتر به کتابهای زیر مراجعه فرمایید: floor, 1988:59؛ وره‌رام، ۱۳۶۶؛ حسن آبادی، ۱۳۸۶؛ lambton, 2005: ۸۱-۶۳

اسناد عشروده‌نیم، که در این تحقیق به آن پرداخته خواهد شد، در زمره اسناد مربوط به دوره صفوی، موجود در سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان‌قدس است که تاکنون تحقیقاتی براساس آن انجام نشده است. در این مقاله، در مورد «عشروده‌نیم» بحث خواهد شد، و باتکیه بر اطلاعات اسناد و استفاده از سایر منابع موجود، این اصطلاح را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

ساختار شکلی و محتوایی اسناد

مجموعه اسناد «عشروده‌نیم» از مجموعه ۶۹ هزار صفحه‌ای اسناد تشکیلات اداری آستان‌قدس در دوره صفویه است که دوره زمانی ۱۰۰۰-۱۱۴۸ ق. را دربرمی‌گیرد. این اسناد، شامل ۱۰۰ شماره اموالی اسناد در ۴۰۰ صفحه است که اولین آنها به سال ۱۰۴۱ ق. (سند شماره ۳۲۱۸۲) و آخرین آنها به سال ۱۱۳۰ ق. (سند شماره ۳۵۰۴۲) می‌باشد. کلیه اسناد، در قطع دیوانی (خشتی) و در اندازه ۲۰ در ۲۰ سانتی متر است، که اصطلاحاً به آن «فرد محاسباتی» گفته می‌شود (روستایی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۴). خط کلیه اسناد، دیوانی (تعلیق) بوده و در بسیاری از آنها از نگارش سیاقی استفاده شده است.

بررسی سربرگ اسناد اداری نشان می‌دهد که بین ۵ تا ۸ خط کوتاه در سربرگ اسناد، با توجه به محتوای اسناد، در کلیه آنها تکرار شده است که از این میان پنج عنوان زیر در تمامی اسناد، به صورت تکرار، آمده است:

۱. انجام مهمات و معاملات سرکار فیض آثار سنه: این جمله در کلیه اسناد آستان‌قدس، چه درآمد و چه پرداخت‌ها آمده است؛
۲. توجیهات^۳ (شهشهانی، بی تا، ص ۱۳۸) و مقررات: کلیه خرج‌کردها و پرداخت اسناد اداری آستان‌قدس با عنوان توجیهات و مقررات ذکر می‌شده است؛
۳. توجیهات: کلیه پرداخت‌های مالی آستان‌قدس؛
۴. عوض‌المذکور^۴ (مدیریت امور اسناد و مطبوعات، سند شماره ۳۲۰۵۶): این عنوان، علاوه بر اسناد عشروده‌نیم، در موارد دیگری نیز کاربرد داشته است و معنی تحت‌اللفظی آن به‌عنوان عوض از چیزی است و بعضاً در اسناد به‌این معناست که گاهی در عوض مالی که قرار بوده از محلی تأمین شود، به‌دلایلی، از جای دیگری تأمین شده است؛
۵. عشروده‌نیم: این اصطلاح در ادامه توضیح داده خواهد شد (مواردی که در ادامه می‌آید با توجه به محتوای اسناد متفاوت بوده است)؛
۶. ازبابت محال‌المذکور^۵ (مدیریت امور اسناد و مطبوعات، سند شماره ۳۲۲۸۱): زمانی که برات به‌طور مستقیم به خود محل حواله شده و یا فرمان درباره آن محل صادر می‌شده است؛

۱. محتوای اسناد تشکیلات اداری آستان‌قدس در زمینه‌های اقتصادی، کشاورزی، اجتماعی، مذهبی، سیاسی و نظامی است و محتوای اطلاعاتی آن در جای دیگری استفاده نشده است. کلیه اسناد ارزشیابی، نمایه‌سازی و ورود اطلاعات شده و در آرشیو مرکز اسناد سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان‌قدس رضوی در دسترس می‌باشد. این اسناد در حافظه جهانی ثبت و برای ثبت در حافظه جهانی یونسکو معرفی شده است.

۲. تعداد ذکر شده تقریبی بوده و اگر با اسناد مرتبط با آن شمارش شود بیشتر خواهد بود.

۳. توجیهات، کلیه پرداخت‌های آستان‌قدس در زمینه‌های مختلف، در ذیل توجیهات می‌آمده است. اصل کلمه از وجه به معنی ترتیب و حساب دیوانی (دهخد، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۷۱۰) وجه و تنخواه چیزی را حواله کردن است (شهشهانی، بی تا، ص ۱۳۸).

۴. برای اطلاع بیشتر در مورد این اطلاعات نگاه کنید به: حسن آبادی، ۱۳۸۲، صص ۳۵-۴۳.

۵. عوض‌المذکور، به معنی عوض از چیزی و معمولاً در این اسناد به مواردی گفته شده است که مالیات یک منطقه، به هر دلیل به جای دیگری حواله می‌شده است (ساکماق، ۲۲۵۰۶).

۶. محال‌المذکور، به معنی مکانی است که حواله به آن احاله شده و فرد برای دریافت پول باید به آنجا مراجعت می‌کرد (ساکماق، ۳۲۲۸۱).



۷. از بابت محل مشهد مقدس و غیره: که معمولاً در این عنوان محل خاصی مدنظر نبوده و [برای] پرداخت حقوق نیروهای نظامی به کار می رود؛

۸. یک قسمت از اسناد خاص آستان قدس است که در آن چند نام تکرار شده است و با عنوان «عشرده ونیم سیورغال محال سرکار فیض آثار^۱» (مینورسکی، ۱۳۳۸، ص ۱۴۷)، «از بابت محال و قفی ایبورد^۲» (ساکماق: ۲۷۷۹۷)، «اسفیجان^۳» (ساکماق: ۳۲۹۹۵)، «نیشابور»، و «عبدالجبّار بیچاره^۴» (مدیریت امور اسناد و مطبوعات، ساکماق: ۳۱۷۹۶) آمده است.

ارزش های اطلاعاتی اسناد عشرده ونیم

اسناد عشرده ونیم، از جنبه های مختلفی دارای ارزش بررسی است و اطلاعاتی درباره سال های ۱۰۶۱-۱۱۳۰ ق. دارد که در اینجا به قسمت هایی از آن پرداخته خواهد شد. مهم ترین آنها عبارت اند از:

۱. ارزش اداری اسناد: تغییرات سربرگ اسناد، تغییرات احتمالی در مناصب اداری و نحوه ارتباط آنها با موضوع، اسامی افراد مرتبط با موضوع در هر دوره، تغییرات سیستمی در کار، تغییر مراحل کاری در هر دوره، تغییرات در مناصب مهم اداری، جایگاه مناصب اداری، و تعاملات منطقه ای و محلی.

۲. ارزش اقتصادی و مالی: نحوه وصول مبالغ از محل ها، سیستم مالی دریافت و پرداخت، تغییر روش های جمع آوری و پرداخت ها، اوزان قدیم، تغییرات در میزان مبالغ دریافتی و پرداختی که مبین وضعیت اقتصادی هر دوره است.

۳. اصطلاحات: اصطلاحاتی بسیاری در این اسناد ذکر شده که کمتر در جای دیگر آمده یا کاربرد آنها در سیستم اداری مشخص شده است؛ مانند عشرده ونیم، مالو جهات و جوهات^۵ (لمبتون، ۲۲۹، ص ۱۳۳۹)؛ عوض المذکور، توجیهات و مقررات، برات^۶ (مینورسکی، ۱۳۳۸، ص ۱۶۳)، خطاب^۷ (ساکماق: ۳۲۱۸۲)، و کالت نامچه^۸ (ساکماق: ۳۲۱۸۲)، حصب نامچه^۹ (ساکماق: ۳۲۱۸۲)، و رخصت نامچه^{۱۰} (ساکماق: ۳۲۱۸۲).

۴. ارزش نظامی: این اسناد حاوی اطلاعات دقیقی درباره نظامی ها، رده های شغلی، سیستم درخواست حقوق، نحوه دریافت در منطقه، نحوه ارتباط با دربار، و محل استقرار نظامی ها هستند.

۵. ارزش رجال شناسی: در این اسناد، اسامی بعضی از صاحب منصبان نظامی و اداری، صاحبان سیورغالات و تیول، و برخی اماکن مذهبی آمده که در منابع آن دوره نیامده است.

سؤالات پژوهش

باتوجه به تعداد زیاد اسناد و حجم اطلاعات آنها، نمی توان تمامی جنبه های اطلاعاتی آن را

۱. اصطلاح سرکار فیض آثار در دوره صفویه به دو جا اطلاق می شد؛ یکی، موقوفات سلطنتی که در مناصب دربار و وجود داشته است و مؤلف تذکره الملوک درباره وی آورده: (شغل مشارالیه نسق املاک و زراعات و آبادی باغات و مستغلات و طوابعین و قنوات است و باید به مهر و اطلاع وجه ربع محال و مستغلات و غیره حاصل موقوفات سرکار مزبور از رعایا و مستأجران بازیافت شود و مصارف مقرره واصل ساخته، حسن سعی خود را در آبادی محال و تکثیر زراعات حاصل سازد (میرزا سمیعا ۱۳۶۸، ص ۴۴). مینورسکی، در تعلیقی که بر این مطلب زده آن را زیر نظر صدر می داند و احتمال می دهد با آستان قدس نیز مرتبط باشد که البته جای شک دارد. از آستان قدس نیز به عنوان سرکار فیض آثار یاد شده است.

۲. ایبورد، اسم قدیمی شهر کلات.

۳. اسفیجان مزرعه ای در بیرجند در دوره صفویه.

۴. در اسناد سیورغال آستان قدس افرادی با عنوان جماعت متفرقه وجود داشتند که در قبال مرانی که از دولت دریافت می کردند مالیات می پرداختند اما نه به دولت بلکه به آستان قدس. یکی از مهم ترین این افراد عبدالجبّار بیچاره (بدون زمین) بوده است.

۵. مالوجها، لمبتون آن را از مال الجها یا مالیات مستمر آورده است. مالوجها از مال و جها به معنی عمار و ضیاع، نقد و جنس، و اجاره اراضی آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۱۹۹۹۹ ذیل مالوجها). در مجموع در اینجا از آن معنای مالیات استنباط می گردد.

۶. برات، کلمه برات از ریشه برات است و نوشته ای است که بدان، دولت بر خزانه حواله وجهی می دهد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۵۰). برات ها، حواله هایی بودند که دولت، به علت کمبود وجه نقد، به افرادی برای دریافت موجب خود می داده است. برات ←

← به صورت یکساله و همهساله صادر می‌شد. نوع خوب برات، همهساله بود که مبلغ که به عهده منبع درآمد یا شخص معین صادر می‌شد. برات‌های یکساله، از نظر وصول برای صاحب آن، به علت کمبود زمان و بعد مسافت دشوار بود و بعضاً مجبور به فروش آن به افراد ثروتمند به کسر قیمت می‌شدند (کمبریج، ۱۳۷۹، ص ۲۳۲).

۷. لفظ خطاب، که در سواد اسناد به معنی فرمان صدر ذکر شده در منابع دیگر نیامده است، معمولاً از دستور صدر در این دوره به عنوان مثال نام برده شده است (برای اطلاع بیشتر در مورد مثال‌های صدور صفوی رک: طباطبایی، ۱۳۵۲).

۸. وکالت نامه، منظور کاغذی بوده که صاحب برات به محصل یا فرد حامل برات می‌داد تا توسط آن مبلغ را دریافت نماید.

۹. حسب نامه، احتمالاً طوماری بوده که در آن حساب و کتاب تفنگچیان در قلعه‌ها نگهداشته می‌شده است.

۱۰. رخصت نامه، برگ ترخیص بوده که بر طبق آن به افراد نظامی اجازه خروج از قلعه داده می‌شده است و باید خروج فرد بر طبق این رخصت نامه بوده باشد و در صورت عدم رعایت از مواجب او کاسته می‌شده است.

۱۱. در وقفنامه حاجی مصطفی، به سال ۱۱۳۸ ق، برای آستان قدس مقدار حق التولیه عشردهونیم تعیین شده است.

در یک مقاله ارائه نمود. به همین منظور، سعی خواهد شد تا با طرح چند سؤال، ضمن محدود کردن دامنه تحقیق، اطلاعات هدفمندی در یک چارچوب مشخص ارائه گردد.

پرسش‌های این مقاله عبارت‌اند از:

۱. معنا و مفهوم عشردهونیم در دوره صفویه چیست؟

۲. محل دریافت عشردهونیم براساس اسناد چه بوده است؟

۳. محل خرجکرد مبالغ عشردهونیم چه بوده است؟

۴. وصول عشردهونیم سیورغالات چگونه بوده است؟

یکی از اصطلاحاتی که در منابع این دوره کمتر ذکری از آن آمده «عشردهونیم» است. معنی تحت‌اللفظی این کلمه «یک دهم به اضافه نصف» می‌باشد که قاعدتاً پانزده درصد می‌شود؛ اما این معنی در فرهنگ لغات ذکر نشده است. طبق منابع موجود، اولین بار، نصیری در دستور شهریاران، ذیل وقایع ۱۱۰۵ ق. و به تخت نشستن شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق.)، از تخفیف و تصدق سی هزار تومان عشردهونیم سیورغالات و حق‌النظاره و سایر رسومات صدور نام می‌برد (نصیری، ۱۳۳۳، ص ۳۵)؛ و در تذکره الملوک، درباره مواجب صدور آمده که عشردهونیم محل سیورغالات و حق‌التولیه و حق‌النظاره بعضی از محال وقفی به آنها پرداخت می‌شده است (میرزا اسمعیل، ۱۳۳۸، ص ۲). لمبتون، در مالک و زارع، آورده: «که صاحبان سیورغال مشمول پرداخت عوارض مخصوص بودند و قسمتی از حقوق بعضی مأموران را از عوارض یا سودی می‌دانستند که تیولداران و صاحبان برات سالیانه (همهساله) و سیورغال پرداختند» (لمبتون، ۱۳۳۹، ص ۲۴۲). او همچنین، ذیل توضیح اصطلاح «عشر» می‌آورد که در مورد نصاب عشر میان فقیهان اختلاف است و نرخی که براساس آن عشر وصول می‌شود عبارت است از نیم دهم، یک دهم، و یک نیم دهم و مضاعف عشر (لمبتون، ۱۳۳۹، ص ۷۷۵). در موقوفات آستان قدس، در دوره صفویه، در دو مورد، درباره پرداخت حق‌التولیه، با احتساب عشردهونیم، ذکر شده که ظن ما درباره معنی عشردهونیم همان پانزده درصد است!

دریافت عشردهونیم، یکی از ممرهای درآمد صدور بوده است و به خاطر وظیفه‌ای که از بابت نظارت بر سیورغالات بر عهده آنان بوده مبلغی را دریافت می‌کرده‌اند؛ که باتوجه به تعداد زیاد سیورغالات مبلغ کلانی بوده است. علت اصلی این پرداخت، وظیفه صدرالممالک درباره سیورغالات بوده و کلیه سیورغال‌ها، بعد از تأیید و تصدیق، به رقم وزیر دیوان اعلی می‌رسید. احتمالاً، چون در دوره صفویه، سیورغالات، بیشتر به خانواده‌های مذهبی یا نهادهای دینی داده می‌شد و صدر نیز مسئولیت امور دینی را برعهده داشت، این امور را به صدر واگذار کرده بودند. البته دخالت صدور در امور موقوفات شامل مواردی بوده که طبق نظر واقف، اجازه دخالت داشته‌اند. در اسناد و منابع دقیقاً مشخص نشده این مبلغ به چه عنوانی

باید به صدر پرداخت می‌شد، به‌عنوان هدیه، مالیات، و یا عنوان دیگر؛ اما در اسناد صریحاً از بابت «مالوجهات محالوقفی» در ذیل آستان قدس^۱ (ساکماق: ۳۳۴۷۵/۳) آمده که برداشت ما معنی مالیات می‌دهد و احتمال صحیح بودن به‌کاربردن کلمه مالیات از درآمد درست‌تر است. چنانچه، در مالک و زارع نیز آمده که صاحبان سیورغالات، مبالغ متعددی را، به‌عنوان مالیات می‌پرداختند (لمبتون، ۱۳۳۹، ص ۲۴۲). کلیه درآمدهای صدر در طومار مخصوص نوشته می‌شد که در ذیل سایر درآمدها از عشر و ده‌نیم نیز نام برده شده است (ساکماق: ۳۳۰۴۵/۱). در مورد نحوه وصول و چگونگی کسب درآمد در مبحث جداگانه‌ای بحث خواهد شد.

ذکر دو نکته در انتهای این قسمت لازم است: (۱) منصب صدر، در دوره صفویه، فراز و نشیب‌های زیادی داشته است، و به‌خصوص از زمان شاه سلیمان، با تقسیم شدن منصب به صدر خاصه و عامه، میزان و چگونگی تقسیم درآمدها مبهم است (صفت گل، ۱۳۸۰، ص ۲۳۶)؛ زیرا زمانی که یک صدر امور را به‌دست داشته کل درآمدها به او می‌رسیده، درحالی‌که از زمان تقسیم شدن وظایف و اختیارات معلوم نیست درآمدها به چه نسبتی تقسیم می‌شده و آیا این تقسیم مساوی بوده است یا خیر؟ احتمال دارد میزان درآمدهای صدر عامه، با توجه به تعداد زیاد موقوفات، بیشتر بوده (چنانچه در ذیل صدارت ابوصالح صدر آمده که کس دیگری به پایه ثروت وی نرسیده بود و میزان دارایی او بیش از صدر خاصه بوده است. ۲) در زمان نبود صدر آیا درآمدی که مخصوص او بوده در اختیار فرد دیگری قرار می‌گرفته یا این درآمد به خزانه شاهی واریز می‌شده است؟ متأسفانه منابع در این مورد اطلاعاتی ندارند، اما در سندی به سال ۱۱۱۳ق. از مستوفی موقوفات ممالک محروسه نام برده شده که در غیاب صدر معزول شده، کار او را انجام می‌دهد (ساکماق: ۳۳۰۴۵/۹). در سند دیگری، درباره وصول درآمد صدر، در زمان نبود او، آمده که از روی نسخه صدر قبلی، درآمد برای دیوان ضبط می‌شده است. در سندی ذکر شده که در زمان تعطیل منصب صدارت (عامه) از صدر خاصه به‌عنوان مسئول امور صدر ممالک یاد شده است (ساکماق: ۳۳۰۴۵/۹). کمپفر، در زمان زندانی میرزا ابوطالب رضوی صدر خاصه (خاتون‌آبادی، ۱۳۵۲، ص ۵۳۸) آورده که شاه اداره موقوفات سلطنتی را برعهده گرفت (کمپفر، ۱۳۶۳، ص ۲۳). مشخص نیست آیا در زمان تعطیل صدر ممالک نیز چنین اتفاقی افتاده باشد، اما قطعاً افراد با نظر شاه در امور دخالت می‌کرده‌اند.

اما مطلبی که دستور شهریاران، در مورد تخفیف و تصدق مبلغ سی هزار تومان درآمدهای متفاوت صدر در سال ۱۱۰۵ق. ذکر کرده است - با وجود اینکه نجف خان از سال ۱۱۰۰ق. تا این زمان صدر عامه بود - ضمن اینکه میزان زیاد درآمد صدر را مشخص می‌نماید، میزان اختیارات شاه را در درآمدها نیز نشان می‌دهد (نصیری، ۱۳۷۳، ص ۳۳).

۱. اصطلاحات مالوجهات محالوقفی که در اسناد این مجموعه ذکر شده از نظر مفهوم دارای شبهه است؛ چه گرفتن مالیات از موقوفات امری بوده که به آن اشاره نشده است، اما در بعضی از وقفنامه‌ها آمده «که پس از کسر مالیات دیوانی»، امکان دارد که این به همان مفهوم باشد.

محل های دریافت عشر و ده نیم سیورغال

به علت اینکه منابع تاریخی در مورد عشر و ده نیم سیورغالات اطلاعات کاملی ذکر نکرده اند، نمی توان گفت که عشر و ده نیم از چه محل هایی دریافت می شده است؛ اما چنانچه عشر و ده نیم را در زمرة وجوهات گرفته شده از سیورغالات - که اختصاص به صدر داشته است - بدانیم، دامنه گرفتن عشر و ده نیم - به علت وجود انواع سیورغالات در دوره صفویه - بسیار متنوع بوده است. در اسناد موجود در مجموعه اسناد صفویه آستان قدس رضوی، در اسناد عشر و ده نیم، اسامی برخی اماکن یا افرادی آمده که ارتباطی با آستان قدس ندارند، اما مهم ترین منبع دریافت عشر و ده نیم سیورغالات آستان قدس بوده اند. اماکن ذکر شده عبارت اند از: جماعت خفافان دارالسلطنه قزوین محمد طاهر و غیره (ساکماق: ۳۲۵۴۳/۱۰)، آستانه امیر المؤمنین (ع) (ساکماق: ۳۴۳۶۰/۱۹)، اولاد میرزا ابراهیم، امامزاده محروق نیشابور، قدمگاه، محمد تقی نیشابوری (ساکماق: ۳۳۰۴۵/۹)، معدن فیروزه، ترشیز، خوشان، کلیدر، نیشابور (ساکماق: ۳۵۰۳۶۲) و سایر جماعه (ساکماق: ۳۳۰۴۵/۶).

در دوره صفویه، به منظور تأمین نیازهای آستان قدس، برخی مزارع و باغات، به صورت سیورغال، به آستان قدس داده شد. اولین آنها مزرعه کلاتچه اروج نیشابور، به سال ۹۹۸ ق.، و آخرین آنها در سال ۱۱۳۰ ق. است. در اسنادی که با عنوان «سیورغالات» در تشکیلات اداری صفویه وجود دارد و مرتبط با درآمدها، مقدار، و نحوه وصول و خرج گرد هاست، به طور خلاصه سیورغالات آستان قدس به پنج دسته تقسیم شده است:

۱. اسناد مزارع و مواضع مشهد: ۱۷ مزرعه، اولین، به سال ۱۰۲۳ ق.، به نام مزرعه گوارشک (ساکماق: ۳۱۹۷۴/۲) و آخرین، موسوم به مزرعه پس پشته به سال ۱۱۲۱ ق. (ساکماق: ۳۵۰۰۱/۷).

۲. اسناد مزارع و مواضع ولایات: ۲۵ مزرعه، اولین، مزرعه کلاتچه اروج، به سال ۹۹۸ ق. (ساکماق: ۳۱۸۲۶/۱) و آخرین، به سال ۱۱۲۴ ق.، مزرعه هرات (ساکماق: ۳۴۵۶۶/۱).

۳. اعراب بیچاره (بدون زمین) در جنوب خراسان: اولین سند، به سال ۱۰۲۵ ق. (ساکماق: ۳۱۹۷۷/۲) و آخرین، به سال ۱۱۲۷ ق. (ساکماق: ۳۴۹۷۶/۱۹).

۴. جماعت نمک کش: اولین سند به سال ۱۰۲۵ ق. (ساکماق: ۳۱۹۷۶/۲) و آخرین سند به سال ۱۱۲۷ ق. (ساکماق: ۳۴۰۹۶/۲).

۵. متفرقه، گروه ها، و جماعت های متفرقه: اولین سند به سال ۱۰۲۵ ق. (ساکماق: ۳۱۹۷۶/۲) و آخرین سند به سال ۱۱۲۶ ق. (ساکماق: ۳۵۰۲۶/۲).

با توجه به اینکه آستان قدس تعداد زیادی سیورغال در اختیار داشته، مسئله پرداخت مالیات امری طبیعی بوده است (حسن آبادی، ۱۳۸۶، صص ۶۳-۸۰). در اسناد موجود از



ایبورد، بجستان، مالوجوهات عبدالجبار بیچاره، قریه رأس الحد (ساکماق: ۳۱۷۷۹)، راقان، کوشمقان (ساکماق: ۳۱۹۷۵)، قریه گرگنج شیروان (ساکماق: ۳/۳۱۹۹۰)، مشهد، جام، خواف، جنابد تون (ساکماق: ۲۷۴۹۲)، باخرز و نیشابور نام برده شده است (ساکماق: ۲/۳۵۰۳۳۷). چنانچه دریافت عشر و ده نيم را از سیورغالات در وجه عام در نظر بگیریم، باید اسامی تمام انواع سیورغالات در اسناد ذکر می شده که نمی توان به دلیل نقص احتمالی اسناد، در مورد عدم ذکر نام آنها یا مورد خاص دیگر اظهار نظر کرد.

نحوه دریافت عشر و ده نيم سیورغالات

مبالغ عشر و ده نيم در ذیل درآمدهای صدر محسوب می گردید و کلیه مراحل وصول درآمدهای عشر و ده نيم در دیوان الصداره به شرح زیر انجام می شد:

۱. مشخص کردن سیورغالاتی به همراه مبالغ (نقدی و غیر نقدی) که باید از آن عشر و ده نيم گرفته شود، که این کار توسط دیوان الصداره انجام می شد.

۲. بعد از تعیین محل و مبالغ، طوماری تهیه می شد. معمولاً در این طومار^۴ (دهخدا، ذیل

طومار) کلیه درآمدهای صدر مانند حق التولیه و حق النظاره^۵ نیز مشخص می شد (ساکماق: ۹/۳۴۳۹۰).

۳. بعد از مشخص شدن میزان درآمدهای نقدی و غیر نقدی در طومار، خطابی از دیوان الصداره برای هر محل صادر می شد که در حکم فرمان صدر الممالک بوده است. این خطاب، معمولاً وقتی برای محل خاص صادر می شد فقط مربوط به عشر و ده نيم نبود و محصل باید، چنانچه حق النظاره و یا حق التولیه وجود می داشت، آنها را نیز دریافت می کرد.

۴. بعد از صدور خطابها از دیوان الصداره، احتمالاً برای هر منطقه محصلی انتخاب می شد. در مورد شخصیت محصلان و یا طبقه اجتماعی آنها در منابع و یا اسناد اطلاعاتی

نیامده و نمی دانیم آیا برای انتخاب آنها شرایط خاص وجود داشته است یا خیر؟ در اسناد به طبقات مختلفی از محصلان برخورد می شود؛ برای مثال، در فرمانی به سال ۱۰۸۲ق، که از سوی شاه سلیمان صادر شده، از ندرقلی بیک، غلام خاصه شریفه، به عنوان محصل نام برده شده است (ساکماق: ۲۹۱۴۶). در سندی دیگر، به سال ۱۱۱۲ق، از میرزا نورالله اصفهانی مین باشی^۶ (تاورنیه، ۱۳۳۶، ص ۶۹۷) نام برده شده (ساکماق: ۱۲/۳۴۳۶۰)؛ و یا در سند دیگری از یار محمدخان بیک و محمدصادق بیک نام برده شده است (ساکماق: ۱۷/۳۲۳۶۰).

در مجموع، از اسامی محصلان مشخص می شود که دارای شخصیت اجتماعی بالایی بوده اند. وقتی محصل با طومار و خطاب به محل مراجعه می کرد، بالاترین مقامات منطقه باید با او همکاری می نمود. در خطابهای موجود، از وزیر استرآباد (ساکماق: ۱۷/۳۴۳۶۰)

۱. منظور از شیروان ولایت شهران در حدود قفقاز می باشد که قریه گرگنج به سیورغال آستان قدس مقرر بوده است.

۲. جنابد تون، از روستاهای منطقه فردوس.

۳. باخرز شهری در جنوب خراسان. از جمله سیورغالات بوده و اولین سند آن به سال ۱۰۲۴ق. می باشد.

۴. طومار، در اصطلاح ارباب دفاتر از جنس براتی و مانند آن بود که درازی داشته باشد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۵۵۵۸ ذیل طومار). در اسناد موجود در سته ۱۰۰۱ق. به شماره اموالی ۲۷۴۸۲ از طومار نام برده شده است. به نظر می رسد آستان قدس برای امور اداری سالیانه خود از طومار یا طومار نسق استفاده می کرده است.

۵. منظور از حق التولیه و حق النظاره در موقوفاتی بوده که صدر در آنها به عنوان متولی یا ناظر انتخاب شده است. میزان این حق التولیه یا حق النظاره بسته به نظر واقف در وقفنامه بوده است.

۶. فرمانده سپاه هزار نفری.



۱. وزیر خراسان در ردیف وزرای کل محسوب می‌شد و قدرت زیادی داشت. هدف از انتخاب وزیر در ایالات، وجود نیرویی در برابر حاکم و در صورت لزوم، احقاق حق مظلوم بوده است (مینورسکی، ۱۳۶۸، ص ۱۶۱).

۲. بیگلر بیگیان، حاکم ایالات دوره صفویه بودند که به آنها امیرالامرا گفته می‌شد. سیزده ایالت توسط آنها اداره می‌شد. (برای اطلاع بیشتر در مورد بیگلر بیگی رک: رهبرین، ۱۳۵۷؛ میراحمدی، ۱۳۵۷).

۳. منصب کلانتر در دوره‌های مختلف تاریخی تفاوت داشته است. در این دوره، چنانچه میرزا سمیعاً آورده است: «تعیین کدخدایان محلات و ریش سفیدان اصناف با مشارالیه است با این نحوه که سکنه هر محله و هر صنف دو قریه، هرکه را امین و معتمد دانند فیما بین خود تعیین و رضاناچه به اسم او نوشته و موجبی در وجه او تعیین نموده و به مهر نقیب معتبر نموده به حضور کلانتر آورده تعلیقه و خلعت از مشارالیه به جهت او باز یافت می‌نمایند.» (فلور، ۱۳۸۱، ص ۸۱).

۴. مشارالیه جزو دیوان بیگی و شغل مشارالیه آن است که اصل شهر و خارج شهر را محافظت نماید که هیچ‌کس مرتکب خلاف و ظلم و نزاعی نگردد و امور خلاف شرع و فاحشه و شراب و قمار و سایر امور نامشروع را قلعن نماید (میرزا سمیعاً، ۱۳۶۸، ص ۴۸).

۵. «مشارالیه در خانه خود بدعواهای شرعی و امری معروف و نهی از منکرات می‌رسد و طلاق شرعی را در حضور شیخ الاسلام می‌دادند و ضبط مالغایب و یتیم اغلب با شیخ الاسلام بود و بعد از آن به قضات مرجوع شد» (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵، ص ۳).

۶. «عالیچاه وزیر اعظم دیوان اعلی و اعتمادالدوله ایران عمده ترین ارکان دولت و قاطبه امرا درگاه معلی و سرحدات ولایات ممالک محروسه و دادوستدکل مالیات دیوانی و وجوه انفادی خزانه عامره و غیره بیوات از کل ممالک ایران و دارالسلطنه اصفهان بدون تعلیقه و امر عالیچاه معظم الیه دادوستد نمی‌شود.» (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵، صص ۵ و ۶).

و یا وزیر خراسان^۱، بیگلر بیگی^۲، کلانتران^۳، داروغگان^۴، حکام و عمال نام برده شده و همه به صورت کامل، با محصل، همکاری می‌کردند. در این خطاب کلی، همچنین، به همه صاحبان سیورغالات متولیان مزارات و بقاع متبرکه، مباشران و مستأجرین و زارعین دستور داده شده که با محصل همکاری نمایند (ساکماق: ۱۷/۳۴۳۶۰). در اسناد دو نوع محصل جداگانه ذکر شده است:

۱. محصل دیوان‌الصادره، که معمولاً صاحب‌منصب یا آدم معتبری بوده است (در بحث دریافت مطرح است)؛ و

۲. محصل اشخاص، برای دریافت حقوق تعیین شده. این افراد نظامی یا شخصی بودند و با دریافت وکالتنامه از فرد یا گروه، برات‌های آنها را دریافت می‌کردند. محصل، در هنگام ورود به منطقه، با توصیه‌هایی که در خطاب برای او شده بود از قدرت و اختیارات کافی برخوردار بود. در محلی که او وارد می‌شد، چنانچه صاحب سیورغال در محل حاضر بود مبلغ را می‌پرداخت و چنانچه، حضور نداشت، طبق دستور دیوان باید مستأجرین و یا زارعان، مبلغ فوق را در غیاب صاحب اصلی پرداخت می‌کردند و محصل موظف بود در ازای دریافت مبلغ نقدی و یا جنس، قبضی را به افراد تحویل دهد. با توجه به اینکه از زمان صدور طومار تا دریافت، مدتی وقفه می‌افتاد و احتمال می‌رفت در میزان دریافت تفاوتی حاصل گردد، محصل موظف بود که نفع دیوان را محاسبه کرده و تفاوت را به سود دیوان ضبط کند (ساکماق: ۲۹۱۴۶). به همین منظور، تسعیر نامچه‌ای (دهخدا، ذیل تسعیر نامچه) به همراه داشت که سیاهه اجناس دقیقاً در آن ذکر می‌شد. علاوه بر آن، چنانچه نام محل در طومار سهواً جا افتاده بود، باید آن را در ذیل طومار ثبت و مبلغ را وصول می‌کرد. همچنین، چنانچه به هر دلیلی نمی‌توانست مبلغ تعیین شده در طومار را وصول کند باید به مهر معتبرترین فرد آن منطقه مانند شیخ الاسلام^۵ (میرزا سمیعاً، ۱۳۳۸، ص ۳)، وزرای محل، حکام، قضات، و متصدی شرعیات سنندی درست نموده و به دیوان ارائه می‌کرد (ساکماق: ۲۰/۳۳۳۷۲). محصل، باید، در مدتی که برای تحصیل به او داده می‌شد، کار خود را انجام می‌داد و به پایتخت مراجعت می‌کرد. در برگشت، مستوفی سرکار عالی، طومار را بررسی کرده و جمع و خرج درآمدهای تحویل داده شده با مبالغ تعیین شده در طومار را تأیید می‌نمود (ساکماق: ۱۷/۳۲۵۷۰). در صورتی که، مبلغی وصول نشده و سنندی برای آن درست شده باشد باید وزیر دیوان اعلی^۶ (میرزا سمیعاً، ۱۳۳۸، ص ۴) بعد از دیدن سند رقیمی برای آن صادر و مستوفیان نیز آن را در دفاتر ثبت می‌کردند (ساکماق: ۱۷/۳۲۵۳۰). میزان اجرت محصل و نحوه پرداخت آن در اسناد موجود مشخص نیست. در مورد سایر محصلان ذکر این نکته الزامی است که مبالغ یک پنجم، یک دهم و یک بیستم، با توجه به دوری یا نزدیکی راه و میزان برات و خطرات احتمالی، از مبلغ کسر می‌شد (شاردن، ۱۳۷۵، صص ۱۲۲۲ و ۱۲۶۵). اما با توجه به محل درآمدهای دریافتی



صدر، قطعاً محصل، مبلغ زیادی را دریافت می کرده است. کار او، در واقع، نوعی مقاطعه کاری با احتمال خطر زیاد و درآمد بالا بوده است. لذا؛ و ممکن بود در صورت عدم رعایت وقت و ناتوانی در جمع آوری صحیح مالیات به عقوبت سخت نیز دچار گردد. احتمال کمی در تغییر میزان تخصیص یافته به مناطق وجود داشت؛ لذا می بینیم مبلغ دریافتی از محال ابیورد و بجزستان^۱ (ساکماق: ۲۷۹۳۸) در سالهای ۱۰۷۸ و ۱۰۸۱ ق. یکسان است. اما امکان داشت که حواله های متفاوتی برای یک منطقه صادر شود، که در بحث خرجکرد به آن پرداخته خواهد شد (ساکماق: ۳۴۱۶۹/۴).

نحوه خرجکرد درآمدهای عشرده نهم

مهم ترین پرسش این است که میزان اختیارات صدر در خرج درآمدها تا چه اندازه بوده است؟ آیا همه درآمدهای عشرده نهم به صدر متعلق بوده و یا مصرف دیگری نیز داشته است؟ با توجه به تعداد زیاد سیورغالات، موقوفات، و سایر محل های درآمد، قطعاً مصارفی بر آن مترتب بوده است؛ هر چند از متن اسناد و محتوای سایر منابع نمی توان به علت گرفتن مبلغی از این پول برای مصارف نظامی پی برد. غیر از درصدی که به صدر متعلق بوده و مقدار آن هم دقیقاً معلوم نیست، بقیه خرجکردها زیر نظر مستقیم شاه بوده است. مهم ترین محلی که تاکنون در اسناد مشخص شده، پرداخت حقوق نظامیان است. روش پرداخت پول حاصله به دو صورت بوده است:

۱. در صورتی که فرد غیر نظامی بوده و مبلغی به او پرداخت می شد، و
۲. زمانی که به افراد نظامی پول پرداخت می گردید.

در اسناد باقی مانده نوع دوم پرداختها بیشتر دیده می شود، اما ساختار کلی هر دو به شرح زیر است:

۱. نوشتن عریضه از سوی فرد برای دریافت پول، و
 ۲. صدور پروانچه از طرف شاه در دستور پرداخت پول.
- در تمامی پروانچه ها و طومارهای باقی مانده چند مطلب، به صورت مشترک، ذکر شده است.
۱. تاریخ درخواست،
 ۲. مشخص کردن مبلغ،
 ۳. ذکر نام شخص و مشخص کردن مبلغ آن،
 ۴. معلوم شدن دوره دربرگیری حقوق،
 ۵. مشخص شدن مبلغ غیر نقدی و نقدی، و
 ۶. تعیین محلی که باید به آنجا حواله شود.

در مورد نظامیان، چنانچه فردی مواجب درخواست می کرد، چند مرحله برای تأیید اول،

۱. بجزستان: شهری در خراسان بین فیض آباد و فردوس.

قبل از اینکه درخواست او به دربار و فرد مرتبط برسد، رعایت می‌شد:

۱. درخواست فرد برای حقوق یا مساعده،

۲. تأیید مقام بالاتر که بسته به رده فرد داشته است، و

۳. تأیید بیگلربیگی منطقه مبنی بر حضور آنها.

در صورتی که درخواست فرد از منطقه به دربار فرستاده می‌شد، بسته به رده افراد نظامی، تفنگچیان^۱ (مینورسکی، ۱۳۳۸، ص ۵۴)، توپچیان، و یا قورچیان^۲ (مینورسکی، ۱۳۳۸، ص ۵۳)، دربار درخواست آنها را بررسی می‌کرد و بعد از تأیید مسئول آنها، پرداخت مواجب با حکم مستقیم صورت می‌گرفت. پرداخت حقوق معمولاً به صورت سالیانه بود، البته به صورت شش ماهه نیز مبلغی از درآمد سالیانه به آنها پرداخت می‌شد (ساکماق: ۳۳۴۷۵/۴). بعد از صدور فرمان شاه، از دیوان‌الصداره، براتی، برای مواجب، به فرد نظامی داده می‌شد. این برات مدت‌دار و معمولاً یک‌ساله و دو ساله بود، اما در بیشتر اسناد از برات همه‌ساله نام برده شده است. گرچه برات افراد همه‌ساله و مبلغ آن نیز ثابت و حتی مبلغ پرداختی سیورغالات نیز بدون تغییر بوده است، مبالغ حواله شده به محل‌ها در هر سال متفاوت بود؛ یعنی امکان داشت برات افراد به جاهای مختلف حواله شود. این مسئله حتی باعث سردرگمی خود برات‌داران و محل‌های احاله می‌شد؛ زیرا آنها باید در مدت خاصی برات خود را وصول می‌کردند و امکان تأخیر هم وجود نداشت. به دلیل تغییر محل احاله برات‌ها آستان‌قدس در حساب و کتاب‌های خود دچار مشکل می‌شد. چنانچه، در سندی به سال ۱۱۲۷ ق.، ذکر شده که عشرده‌ونیم سیورغال سرکار فیض آثار در جاهای مختلف حواله شده و جمع کردن آنها کار دشواری است (ساکماق: ۳۴۵۴۳/۲۶). علاوه بر این، امکان داشت که مبالغی که به جایی حواله شده کامل حاصل نشده و به‌خاطر تأمین منابع مالی از جای دیگری تأمین گردد؛ چنانچه در سندی به سال ۱۰۷۸ ق. از مشهد مقدس عوض از مالیات دارالعباد یزد پول گرفته شده است (ساکماق: ۳۴۱۶۹/۱). افراد، با در دست داشتن فرمان صادره از سوی پادشاه و قبض صادره به محل مراجعه و مبلغ را دریافت می‌کردند. در مورد آستان‌قدس، خود فرد یا وکیل وی، به همراه وکالت‌نامه و سواد فرمان به مستوفی آستان‌قدس مراجعه و پروانچه و قبض صادره را ارائه می‌نمود و مبلغ قبض از کل مبلغ تخصیص عشرده‌ونیم سیورغالات آستان‌قدس کسر می‌گردید. بعد از تأیید مستوفی، قبض صادره باید به تأیید ناظر و متولی آستان‌قدس هم می‌رسید و تعلیقه‌ای نیز از سوی متولی صادر می‌شد (ساکماق: ۳۰۶۵۱). افراد، بعد از دریافت وجه قبض، رسیدی به آستان‌قدس می‌دادند. در این قبض علت، زمان، مقدار طلب، فرد گیرنده، و افرادی که سند در حضور آنها قلمی شده می‌آمد (ساکماق: ۳۴۵۴۳/۶).

۱. تفنگچی: پیاده‌نظام مجهز به تفنگ‌های کوتاه و شمشیر و خنجر که از میان کشاورزان نیرومند برگزیده می‌شدند و عنصر ایرانی و خالص سپاه بودند.

۲. قورچی: قورچی‌ها مسئول نگهداری مخصوص و چادرهای سلطنتی بودند که از نژاد ترک انتخاب می‌شدند و تعداد آنها را ده دوازده هزار نفر تخمین زده‌اند.



نتیجه

عشروده‌نیم در زمره اصطلاحات ناشناخته مالی دوره صفویه است که تنها در اسناد آستان قدس از آن یاد شده است. این اصطلاح که می‌توان آن را یک پانزدهم نامید؛ مالیاتی بوده که از محل سیورغالات و اگذار شده دولت پرداخت می‌شده است. آستان قدس یکی از دریافت کنندگان این سیورغال بوده است. عشروده‌نیم از محل‌هایی مانند مزارع، باغات، جماعت متفرقه و جماعت نمک کش تامین ونحوه دریافت این مبلغ معمولاً تحت نظر صدر با صدور خطابی انجام می‌شده است. بعد از انتخاب محصلان، آن‌ها با در دست داشتن خطاب و طومار به اماکنی که بر آن‌ها عشروده‌نیم تعلق گرفته بود مراجعه و این مبلغ را دریافت می‌کردند. کلیه دست‌اندرکاران حکومتی و محاکم شرعی موظف بودند تا محصلان را در کار خود یاری کنند. محصل هم موظف بود تا مبلغ را در مدت زمان خاصی وصول نماید و بعد از دریافت آن، سهم خود را - که بسته به عواملی مانند دوری یا نزدیکی محل، میزان مبلغ و توافق وی متغیر بوده - برداشت می‌کرد و مابقی را به آستان قدس می‌پرداخت. محل خرجکرد مبلغ دریافتی در اسناد کمتر توضیح داده شده است؛ اما بر اساس اطلاعات موجود، مبلغی به صدر اختصاص داشته و مبلغی نیز برای نظامیان هزینه می‌شده است.

کتابنامه

- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۳۶). *سفرنامه تاورنیه* (ابوتراب نوری، مترجم). (حمید شیرانی، مصحح). اصفهان: چاپخانه پروین.
- حسن آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۶، پائیز). نگاهی به اسناد سیورغال در دوره صفویه، *گنجینه اسناد*، ۱۷(۳).
- خاتون آبادی، عبدالحسین (۱۳۵۲). *وقایع السنین والعوام* (محمد باقر بهبودی، مصحح). تهران: اسلامیه.
- روستایی، محسن (۱۳۸۷). آشنایی مختصر با سند فرد و باز نویسی دو طغرافرد. *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ۱۲۹.
- رهربرن، کلاوس میشایل (۱۳۵۷). *نظام ایالات در دوره صفویه* (کیکاووس جهانداری، مترجم). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سانسون (۱۳۴۶). *وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان* (تقی تفضلی، مترجم). تهران: شاردن، ژان (۱۳۷۵). *سفرنامه شاردن* (ج ۵). (یغمایی، مترجم). تهران: توس.
- شهبهانی، عبدالوهاب (بی تا). *بحر الجواهر فی علم الدفاتر*. تهران: بی نا (چاپ سنگی).
- صفت گل، منصور (۱۳۸۰). ساخت کارکرد و دگرگونیهای منصب صدارت در ایران عصر صفوی. *مجله تاریخ*، ۱(۲).
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۵۳). *مثالهای صدور صفوی*. قم: حکمت.
- قاضی منشی (۱۳۵۹). *خلاصه التواریخ* (ج ۱). (احسان اشراقی، کوششگر). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰). *مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی*. تهران: انجمن آثار ملی.
- کمبریج (۱۳۷۹). *تاریخ ایران دوره تیموریان*، (یعقوب آژند، مترجم). جامی: تهران.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳). *سفرنامه کمپفر* (کیکاووس جهانداری، مترجم). تهران: خوارزمی.

میرزا سميعا (۱۳۳۸). *تذکره الملوک*، (محمد دبیر سیاقی، کوششگر). تهران: امیرکبیر.
 میرزا رفيعا (۱۳۸۵). *دستور الملوک* (محمد علی کردآبادی، مترجم). تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
 میر احمدی، مریم (۱۳۵۷). *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عهد صفوی*. تهران: سپهر.
 نصیری، محمد ابراهیم بن زین العابدین نصیری (۱۳۷۳). *دستور شهریاران* (نادر نصیری مقدم، کوششگر). تهران: بنیاد موقوفات افشار.
 ورهرام، غلامرضا (۱۳۶۶). بررسی چند سند تاریخی سیورغال و مسلمی. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی* ۲۰، (۳).

Floor, Willem (1988). *Fiscal History of Iran in safavid ana qajar priod*. New York: Biblioteca press
 Lambton, An (2005). *Syouorghal, Encyclopedia of islam*.

ساکماق: ۳۴۳۹۰/۹	ساکماق: ۳۲۵۴۳ / ۱۰
ساکماق: ۲۹۱۴۶	ساکماق: ۳۴۳۶ / ۱۹
ساکماق: ۳۴۳۶۰/۱۲	ساکماق: ۳۵۰۳۶ / ۲
ساکماق: ۳۲۳۶۰/۱۷	ساکماق: ۳۳۰۴۵ / ۶
ساکماق: ۳۴۳۶۰/۱۷	ساکماق: ۳۴۵۴۳ / ۱۵
ساکماق: ۳۳۳۷۲ / ۲۰	ساکماق: ۳۱۹۷۴ / ۲
ساکماق: ۳۲۵۳۰ / ۱۷	ساکماق: ۳۵۰۰۱ / ۷
ساکماق: ۳۴۱۶۹ / ۴	ساکماق: ۳۱۸۲۶ / ۱
ساکماق: ۲۷۹۳۸	ساکماق: ۳۴۵۶۶ / ۱
ساکماق: ۲۷۹۵۶	ساکماق: ۳۱۹۷۶ / ۲
ساکماق: ۳۴۵۴۳ / ۶	ساکماق: ۳۴۳۹۶ / ۱۹
ساکماق: ۳۳۴۷۵ / ۴	ساکماق: ۳۱۹۷۶ / ۲
ساکماق: ۳۴۵۴۳ / ۲۶	ساکماق: ۳۴۰۹۶ / ۲
ساکماق: ۳۴۱۶۹ / ۱	ساکماق: ۳۱۹۷۶ / ۲
ساکماق: ۳۳۰۴۵/۹	ساکماق: ۳۵۰۲۶ / ۲
ساکماق: ۳۳۳۷۲/۲۰	ساکماق: ۳۳۹۹۰ / ۳
ساکماق: ۳۳۰۴۵/۱	ساکماق: ۲۷۴۹۲
ساکماق: ۳۳۴۷۵/۳	ساکماق: ۲۷۴۸۲
ساکماق: ۴۴۹۸۸	ساکماق: ۳۵۰۳۶

ساکماق: ۳۴۳۹۶۷۹

ساکماق: ۳۱۷۹۶۷۲

ساکماق: ۳۲۹۹۵

ساکماق: ۲۷۷۹۷

ساکماق: ۳۲۲۸۱

ساکماق: ۳۲۵۰۶

ساکماق: ۳۲۴۸۲

ساکماق: ۳۵۰۴۲

ساکماق: ۳۲۱۸۲



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سواد فرمان شاه سلیمان در تحصیلداری ندرقلی بیک غلام خاصه

هو

الملك لله

موضع مهر مبارک نواب اشرف

- [۱] فرمان همایون شد آنکه جماعت مذکوره ضمن مبلغ هفتصد و بیست و یکتومان دو هزار و ششصد و سی دینار نقد و مقدار یک هزار و سیصد و
- [۲] هفتاد و نه خروار و سی و نه من جنس از بابت وجوهات بشرحی که در تحت اسم هر یک نوشته شد و در وجه تحصیل رفعت و معالی پناه
- [۳] ندرقلی بیک غلام خاصه شریفه حسب الظهر مقرر دانسته رسانند از قرار قبض بخرج مجری داند تحصیلدار مشارالیه و وجه
- [۴] [یک کلمه ناخوانا] نقدی را انفاد درگاه جهان پناه و رسدجنتی را تنخواه ارباب حوالات نموده و اگر
- [۵] تفاوتی در تسعیر جز والی دیوان بوده باشد مانند تفاوت را بجهت دیوان ضبط نماید و اگر چیزی را از جمله وجوهات مزبور
- [۶] بجهت حسابی بوصول برسد سند معتبر دیوان پسند بمهر شیخ الاسلام و وزراء و عمال و حکام کرام و
- [۷] قضات و متصدی شرعیات هر محل درست داشته بدیوان آورد که بعد از عرض بدانچه مقرر شود عمل نمایند
- [۸] مستوفیان عظام دیوان اعلی و وجه مزبور را ابوابجمع تحصیلدار مذکور نموده بعد از وصول وجه تحصیل ده نیم وجه مزبور را
- [۹] بصیغه انعام تنگوزئیل مشارالیه بخرج مجری دارند بعهد حکام و عمال و کلاتر و اهالی هر ولایت که در
- [۱۰] وصول مال دیوان امداد حسابی تحصیلدار مشارالیه بتقدیم رسانیده نوعی نمایند که چیزی از مال
- [۱۱] دیوان فوت و فرو گذاشت نشود در این باب قدغن دانسته در عهده داند و چون پروانچه بمهر مهر آثار اشرف
- [۱۲] رسد اعتبار اعتماد نمایند تحریرا شهر صفر ختم بالخیر والظفر سنه ۱۰۸۲

ساکماق: ۲۹۱۴۶



پرداخت عشروده نیم سیورغالات آستان قدس به تفنگچیان

انجام مهمات و معاملات سرکار فیض آثار سنه قوی ٹیل

توجیہات و مقررات

توجیہات

عوض المذکور

[۱] عشرو ده نیم سیورغال محال سرکار فیض آثار که در وجه سیادت و صدارت پناه

عالیجاهی اسلام

[۲] واسلامیان ملاذی مقرر است

[۳] عن رسد مشهد و جام و نیشابور که بتنخواه دیوان نموده عوض گرفته و وجه

مذکوره بهمه ساله محمد تقی و غیره تفنگچیان تابین

[۴] رفعت پناه میر محمد طاهر یوزباشی مقرر شد از قرار پروانچه اشرف بتاریخ شهر

جمادی الاول ۱۰۵۰ آنکه فرمایون همایون شد آنکه

[۵] متولی سرکار فیض آثار و غیره از ابتدا لوی ٹیل مبلغ چهار تومان رایج عراق از بابت

عشروده نیم سیورغال

[۶] که در وجه سیادت و صدارت پناه، هدایت و نجابت دستگاه، حقایق و معارف آگاه،

اسلام و اسلامیان ملاذی

[۷] و جهی میرزا حبیب الله صدر ممالک محروسه مقرر بود و بتنخواه دیوان نمود عوض

گرفته عن رسد همه ساله تفنگچیان

[۸] تابین سابق مین باشی که بر طرف شدنیز در وجه مواجب همه ساله محمد تقی و غیره

تفنگچیان مذکوره ضمن تابین سابق

[۹] خواجه محمد که خود استدعا و میر محمد طاهر ولد میر باقر بود که تفنگچیان متوفی

وارث صاحب طلب

[۱۰] بر آورد و همه ساله مزبوره نسیب (نصیب) تفنگچیان مزکوره دارد و رفعت و اقبال

پناه عالیجاء مقرب الخاقانی متولی

[۱۱] میر فتاح تفنگچی آفاسی تجویز نمود حسب الظہر مقرر شد سال بسال از قرار

تصدیق دفتر تفنگچی و توجیه از بابت واز قرار قبض

[۱۲] ما تفاوت رایج عراق الی خراسان بخرج مجری جناب رفعت پناه طاهر خان بیک

تحصیلدار و جوهات

[۱۳] مقرر نمود بروات بتاریخ شهر رمضان المبارک ۱۰۵۳

عراقی

۵ تومان

۴ تومان

۴۴۶۰ دینار

۷۳۵۲ دینار

خراسانی
میرزا محمد متصدی دکاکین از بابت حاصل ۳ تومن و شش هزار دینار
محمد تقی متصدی دکاکین ۱ تومن و هزار و سیصد و پنجاه دینار
گوشه سمت چپ

عوض عشرو ده نیم یونیت نیل سیورغالات مشهد مقدس و جام و نیشابور که
هرساله محمد تقی ولد سلطان احمد و مهدی ولد محمد مقرر است چوندر معامله یونیت
نیل تصدیق آورده بودند که تنخواه صادر شود و محل مذکوره مودع گشته در نسخه دیوان
الصداره العلیه العالیه مقرر شده [یک کلمه ناخوانا] در نسخه قوی نیل عمل خواهد شد.

ساکماق: ۳۲۶۳۳



خطاب صدر به محمدنعیم بیک در جمع آوری عشرو ده نیم سیورغالات

جام مهمات و معادلات سرکار فیض آثار سنه قوی نیل

توجیہات و مقررات

توجیہات

عوض المذکور

عشرو ده نیم

[۱] از بابت مالوجہات محال وقفی و غیره که بسیورغال آستانه مقرر است سوای رسد
محالی که تبدیل شده و از دیوان اعلیٰ بهمہ سالہ تفنگچیان مقرر گشته

[۲] از بابت محال وقفی ابیورد و بجستان و غیره و مالوجہات عبدالجبار بیچاره

۵۶ تومان ۸ تومان

۷۷۹۳ دینار ۵۱۶۸ دینار قبض

[۳] از قرار خطاب دیوان الصداره العالیه بتاریخ شهر صفر ۱۱۰۳ انکہ خطاب

عالی شد انکہ رفعت و متعالی پناه محمدنعیم بیک بعد از اطلاع بر مضمون

[۴] خطاب مستطاب عالی عشرو ده نیم سیورغالات و حق التولیه و حق النظاره موقوفات

الکاء خراسان را عن رسد قوی نیل شرح تفصیل طومار

[۵] یونیت نیل کہ بتحصیل آن رفعت و متعالی پناه مقرر شد موافق طومار مزبور

بشرح و محتوی کہ در آن تفصیل یافته از آن قرار بدستور بتحصیل خود مقرر و مجری

وصول



- [۶] نمود ایفاد و قبض بازیافت رسانید به سادات عظام و ارباب و اهالی و متولیان و مزارات متبرکات و مشاهد مقدسات و آستانهای منورات.
- [۷] و تکایاو بقاع الخیرات و سائر ارباب سیورغالات و معافیات و مباشرین و مستاجرین و رعایا و زارعین
- [۸] موقوفات الکاء خراسان بشرحی که در طومار مزبور اسم باسم محل بمحل مشروحاً قلمی شده عشردهونیم و حق التولیه و حق النظاره
- [۹] قوی ئیل الکاء مزبوره را از قرار طومار موجود و قبض محصل مشارالیه مهمسازى و نوعی نمایند که وجوه مذکوره بسهولت واصل
- [۱۰] مشارالیه گردیده چیزی از آنجمله در عقده تعویق نماند مستوفی سرکار عالی رسومات سنه مذبوره الکاء مذکوره را بشرح
- [۱۱] طومار بعهدہ ابواب جمع محصل مشارالیه نموده از آن قرار محل مفروغ سازند بعهدہ گماشته عالیجاه سردار لشکر ظفر و حکام
- [۱۲] و وزراء جلیل القدر و کلانتران و محترمین. هر ولایت که در این باب امداد و اعانت و تقویت و تمشیت شرعی حسابی
- [۱۳] محصل مشارالیه وجه بهم رسانیده مجال تمرد و تخلف احدی از مضمون مسطور ندهند و در این باب اهتمام تمام لازم و در عهده
- [۱۴] شناسند شرح حاشیه خطاب مزبور آنکه مقرر آنکه رفعت و معالی پناه محصل مشارالیه هنگامی که شرافت و نجابت پناه عزت
- [۱۵] و مکرمت دستگاه کمالالرفعه والرافه آثار در مشهد مقدس توقف شد آنچه از وجه تحصیل قوی ئیل بوصول رساند تحویل شرافت پناه
- [۱۶] مشارالیه و قبض بازیافت نمایند که از قرار قبض بشرح مجری است شرح قبض محصل برضمن سواد خطاب مذبور بتاریخ شهر جمادی الثانی ۱۱۰۳
- [۱۷] مقرر و معرفت رفعت و معالی پناه محمد نعیم بیک محصل و جوہات عشردهونیم الکاء خراسان آنکه مبلغ هشت تومان و پنجهزار و یکصد و شصت
- [۱۸] و هشت دینار خود را بمعرفت و کلاء عمال خجسته اعمال سرکار آستانه مقدسه متبرکه عرش درجه مفروض الطاعه واجب العصمه عن رسد قوی ئیل
- [۱۹] تمام و کمال واصل و عائد او گردید و این چند کلمه بجهت قبض قلمی و تحریر یافت شرح رقم عالیجاه ناظر جلیل القدر آنکه
- [۲۰] کتاب دفتر شرافت و رفعت و معالی پناه رفیع مقداری مستوفی السانی مبلغ هشت تومان و پنج هزار یکصد و شصت و هشت دینار و نیم و وجوه
- [۲۱] از بابت عشر و ده نیم قوی ئیل محال وقفی اییورد و بجستان و جام و سرکار قائن

و مالوجہات اعراب بیچارہ متعلقہ سرکار موافق براہ
 [۲۲] سابقہ تعلیقہ سرکار شد بعد از ثبت و ضبط سواد خطاب دیوان الصدارہ العلیہ و
 قبض رفعت و معالی پناہ محمد نعیم بیک محصل وجہ مذکور
 [۲۳] از بابت وجوہات سنہ مذکورہ کہ بتحویل خازن سرکار مقرر است بتنخواہ صادر برات نویسد
 مقرر بموجب برات شہر جمیدی الاول ۱۱۰۳ ۸ تومان
 خراسانی ۵۱۶۸
 [۲۴] رفعت پناہ عزت دستگاہخواجہ محمد امین خازن سرکار مہبت آثار از بابت
 وجہ تحویل ہذہ السنہ از بابت کہ بشرح مجری است
 ساکماق: ۳۲۵۱۷/۸



فرمان شاہ سلطان حسین بہ مظفر علی بیگ در جمع آوری عشرودہ نیم سیورغالات

انجام مہمات و معادلات سرکار فیض آثار سنہ لوی ٹیل

توجیہات و مقررات

توجیہات

عوض المذکور

عشرودہ نیم

از بابت محال المذکورہ

- [۱] عن قریہ راس الحد مشہور بلاسجد از قرار رقم مبارک اشرف بتاریخ ذی قعدہ سنہ ۱۱۱۳ آنکہ حکم جہانمطاع شد آنکہ چون از دفتر موقوفات ممالک
 [۲] محروسہ و جوہ حق النظارہ و حق التولیہ و عشرودہ نیم الکاء نہرہا در ساوج بلاغ
 و سایر محال عراق را کہ از ابتداء توشقان ٹیل
 [۳] لغایت ییلان ٹیل ایام تعطیل منصب صدارت ممالک محروسہ سرکار دیوان اعلیٰ
 ضبط میشود ورسد بعضی از محال مزبورہ کہ از ابتدا و جوہ توشقان ٹیل اضافہ رسومات
 [۴] عالیجہ صدر خاصہ کہ بنیابت صدارت ممالک مامور است مقرر شدہ [یک کلمہ
 ناخوانا] در محال نیست بموجب ذیل طومار درست داشتہ بدانند
 [۵] بنابراین مقرر فرمودیم کہ رفعت و معالی پناہ نظاما مظفر مظفر علی بیک غلام خاصہ
 شریفہ تائین عالیجہ وزیر دیوان اعلیٰ رسومات سنوات مزبورہ را بضبط و تحصیل
 [۶] خود مقرر دانستہ رسد ہر سال را نقد بنقد و جنس بجنس از مودیان بازیافت نمودہ
 اجناس را [یک کلمہ ناخوانا] کہ بدانچہ ثانی الحال مقرر شود عمل نماید و محالی

- [۷] که در وقعه بلامبلغ نوشته شده در جزو تحقیق [یک کلمه ناخوانا] حاصل و مداخل آنها نبوده نسخه منقحه مشخصه بر قدر حاصل و مداخل هر یک درست داشته
- [۸] از آنقرار در رسومات مزبوره را بديوان الصداره فرستد که در دفتر موقوفات ممالک محروسه معمول دارند و اگر مباشرين موقوفات ۱۹
- [۹] و صاحبان سیورغال راسخن شرعی و حسابی دریافت متوجهات مزبوره بوده باشد بدرگاه معلى عرض نماید که بدانچه ثانی الحال مقرر شود معمول گردد و هرگاه
- [۱۰] چیزی از بابت کل وجوه مزبوره که داخل طومار شده بجهت حسابی لم یصل شود سند معتبر در آن باب موافق دستور و قانون حساب بمهر اهالی
- [۱۱] شرع و مهمترین آنولایت درست باشد حقیقت عرض نماید که بعد از ملاحظه رقم عالیجاه وزیر دیوان اعلی مستوفیان عظام در دفاتر عمل نماید و نهایت
- [۱۲] دقت و سعی و اهتمام در باب تشخیص و وصول دیوان و تحصیل دعای خیر جهت ذات اقدس همایون ما معمول دارد مباشرين موقوفات و صاحبان
- [۱۳] سیورغالات حسب المسطور مقرر دانسته متوجهات خود را همسازی نموده موقوف ندارند بعهد حکام و عمال و وزراء و کلاتران
- [۱۴] و دارو و غنای هر محل که امداد و اعانت رفعت و معالی پناه محصل مشارالیه را بعمل آورده احدی از معتمدین خود را تعیین نمایند که هر یک
- [۱۵] از مودیان متوجهات خود را همسازی نمایند از ایشان باز یافت در سهم مشارالیه نمایند و کمال سعی و اهتمام در وصول
- [۱۶] و ایصال مال دیوان نموده درین باب اهتمام تمام لازم دانسته در عهده شناسند شرح قبض مظفر علی محصل بر ضمن سواد رقم مبارک اشرف بتاریخ شهر رمضان
- [۱۷] المبارک ۱۱۱۴ آنکه قبض دادم و قبول نمودم [یک کلمه ناخوانا] مظفر علی تائین نواب مستطاب سابق دیوان مملکتی بآنکه مبلغ یکتومان و سه هزار پنجاه و پنج دینار [یک کلمه ناخوانا]
- [۱۸] از بابت عشرده و نیم ده ماهه توشقان ٹیل که بتحصیل کمترین مقرر شده بموجب رقم مبارک [۱] اشرف مبلغ مزبور بمعرفت ملازم و کلاء اجلاء عالیجاه
- [۱۹] متولی جلیل الشان سرکار فیض اثار بالتمام واصل و عاید کمترین گردید و اینچند کلمه جهت قبض قلمی شد شرح عریضه مظفر علی محصل آنکه عرضه داشت کمترین
- [۲۰] مظفر علی تائین نواب مستطاب ایران و ایران ملاذی بذوره عرض میرساند که وجوه حق النظاره و عشرده و نیم ده ماهه توشقان ٹیل
- [۲۱] لغایت یونیت ٹیل ایام تعطیل صدر ممالک که بسرکار دیوان اعلی ضبط شد بتحصیل کمترین مقرر که وصول نمایند و مبلغ سه هزار و هفتصد
- [۲۲] و هشتاد و نه دینار نقد بموجب دینار نقد بموجب طومار تحصیل در تحت هر محل از

بابت حق التولیه و عشرده ونیم باسم عالیجاه متولی جلیل الشان سرکار آستانہ مقدسہ

[۲۳] منورہ متبرکہ عرش درجہ رضیہ رضویہ علی مشرفها الف الف التحیہ والسلام

بموجب حوالہ استدعا آنکہ بعد از طیبیدن حقیقت از دفتر سرکار موهبت آثار مقرر

[۲۴] شود کہ وجب طلب مذکور را مهمسازی کمترین شود قبض الواصل از کمترین

بازیافت نمایند امر کم اعلی شرح رقم آنکہ کتاب حضرت رفیعمقدار

[۲۵] مستوفی سرکار موهبت آثار حقیقت قلمی نمایند شرح حقیقت آنکہ بعرض

میرساند کہ حسب الرقم مبارک اشرف بر طبق دفتر موقوفات

[۲۶] ممالک محروسہ مبلغ شش تومان دو ہزار ہشتاد و شش دینار بموجب

باسم متولی آستانہ مقدسہ سدرہ مرتبہ کہ بتحصیل عارض مقرراست داخل

در نہرہا در ساوج بلاغ

از بابت رأس الحد قریہ جهان غارکہ بوظیفہ شیخ حسن قریہ

بہرام عن رسدہ ماہہ

۴ تومان و ۲۹۵۰ و شیخ شرف الدین ولدان شیخ شمس الدین

۱ تومان

از بابت حق التولیه و حق النظارہ مقرر است از بابت دہ ماہہ توشقان ٹیل

۴۳۵

۲ تومان و ہفت ہزار ۳۸۴۹

قریہ رشید آباد غار

از بابت عشرده ونیم

بدستور ۱۱۶۸

۱ تومان کہ بوظیفہ سادات موسوی

۳۷۵۰ قریہ اوین مقرراست

بدران سران - - پژوهش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بدستور - -

۵۱۲۸ ۱ تومان پرتال جامع علوم انسانی

۳۵۷۷

۹۶۹

ساکماق: ۳۳۳۷۲



پرداخت حقوق تفنگچیان از محل عشر و ده نیم سیورغالات آستان قدس

انجام مهمات و معاملات سرکار فیض آثار سنه تخاقوی ئیل

توجیهات و مقررات

توجیهات

عوض المذکور

عشروده نیم سیورغالات

از بابت مشهد مقدس

عن رسد همه ساله تفنگچیان که برقرار است

[۱] مهدی ولد محمدرضا که بموجب حکم جهانمطاع آفتاب شعاع مقرر است

[۲] عن رسد ششماهه از قرار قبض تصدیق و کلاء عالیجاه بیگلربیگی دارالقرار قندهار

بر طبق عریضه مشارالیه آنکه

[۳] عرضه داشت بنده کمترین خواجه مهدی ولد محمدرضا تابین سابق رفعت پناه

محمد طاهر یوزباشی بلوک رفعت و معالی پناه

[۴] میرزا ابوالفتح مین باشی بذوره عرض ملازمان عالی می رساند که کمترین همه ساله

دارد و همه ساله کمترین

[۵] بر عشروده نیم مشهد مقدس و غیره مقرر است و احوال کمترین در نهایت پریشانی

است اگر چنانچه قلمی نمایند

[۶] که تصدیق سنه تخاقوی ئیل کمترین را بدهند در عندالله و عندالرسول ضایع

نخواهد بود مقرر علی

[۷] شرح حاشیه آنکه حقیقت نویسند آنکه بعرض میرساند که اسم خواجه مشهدی

ولد محمدرضا تابین سابق

[۸] محمد طاهر یوزباشی بلوک رفعت معالی پناه میرزا ابوالفتح مین باشی داخل نسخه

زرنقد پیچی ئیل عساکرالحرب مستحفظی قلعه مبارکه

[۹] دارالقرار قندهار شده و مبلغ هشت تومان تبریزی موجب همه ساله دارد و در

عرض سنه مذکور حاضر و مبلغ

[۱۰] چهار تومان تبریزی در سنه مذکور از بابت زرنقد خزانه عامره از [یک کلمه ناخوانا]

آثار و اقبال پناه عالیجاه امیرزاده اعظم

[۱۱] مرتضی قلی سلطان بازیافت نمود چون در یک فصل از فصول بجواب مقرون

گذشته که جمعی از عساکرالحرب

[۱۲] مستحفظی قلعه مبارکه که [یک کلمه ناخوانا] سازد از خراسان و کرمانند هرگاه در

پیچی ئیل تصدیق همه ساله بازیافت نموده باشند

[۱۳] آنچه از بابت زرنقد خزانه عامره گرفته اند در عوض موجب تخاقوی ئیل ایشان

حساب می شود

- [۱۴] لہذا مومی الیہ در سنہ پیچی ٹیل تصدیق ہمہ سالہ سالیانہ نموده و آنچه از بابت زرنقد خزانه عامرہ ۱۵) گرفته و در عوض رسد ششماہہ موجب تخاقوی ٹیل او حساب می شود و در سنہ مذکور رسد ششماہہ صاحب طلب است
- [۱۶] و در عوض سنہ مذکور کہ بتاریخ ۱۶ شہرجمادی الاول ۱۰۶۷ وکلا نواب عالی در حضور اثار و شوکت پناہ
- [۱۷] عالیجاہ معظم الیہ ملاحظہ مستحفظی قلعه مبارکہ نموده اند حاضر و اسم او داخل نسخہ عرض
- [۱۸] سنہ مذکور کہ برالکاء معلی فرستادہ اند شد بموجب ضمن استدعا نمود بہ ہر چہ فرمایند مختارند شرح بودہ دیگر
- [۱۹] آنکہ بتصدیق نویسنده دیوان اعلی برساند شرح نوشتہ دیگر آنکہ بعرض میرساند محمدحکیم کہ
- [۲۰] حقیقت ہمہ سالہ و حضور تفنگچی مزبور بموجب فوق است کہ لشکر نویس سرکار عالی عرض نمود حالیہ
- [۲۱] مقرر دارند مختارند شرح رقم نواب عالیجاہ بیگلربیگی دارالقرار قندہار آنکہ
- [۲۲] چون در جواب یکفصل از فصول مقرر شدہ کہ عمل خراسان و کرمان و غیرہ وجہ ہمہ سالہ مستحفظی
- [۲۳] را موقوف بہ تصدیق دیوان اعلی نداشتہ حسب التصدیق ہذہ سنہ دستگاہ مہمسازی نماید و صاحب عریضہ از قرار
- [۲۴] تصدیق کتاب دفتر در سنہ تخاقوی ٹیل در قلعه مبارکہ حاضر و ہمہ سالہ داراست و مبلغ چہار تومان تبریزی
- [۲۵] رسد ششماہہ ہمہ سالہ خود را در سنہ پیچی ٹیل از بابت زرنقد خزانه عامرہ عن تحویل اثار و شوکت پناہ
- [۲۶] عالیجاہ مرتضی قلی سلطان بازیافت نمود و حسب الرقم اشرف اقدس ارفع اعلی مقرر شدہ کہ نسخہ جماعہ
- [۲۷] مستحفظی ہمہ سالہ دارد در سنہ پیچی ٹیل از بابت زرنقد خزانه عامرہ بازیافت نمود و تصدیق سنہ ۲۸) مذکور را گرفته باشند در وجہ ہمہ سالہ تخاقوی ٹیل ایشان حساب شود و مشارالیہ تصدیق ہمہ سالہ سنہ
- [۲۹] مزبور را گذرانیدہ لہذا عمال و ضابط عشرودہ نیم سیورغال مشہد مقدس معلی و غیرہ مبلغ مذکور را در وجہ
- [۳۰] ہمہ سالہ تخاقوی ٹیل مومی الیہ وضع نموده تتمہ را بقواعد آن راہ یافتہ موافق معمول

- [۳۱] استمرار نهج سنواه سابقه تسلیم وکیل او نمایند و قبض بتاریخ شهر جمادی الاول ۱۰۶۸ آنکه اعتراف شرعی نمود
- [۳۲] مهدی ولد محمدرضا مزبور ضمن حسب الرقم که مبلغ ۱ تومان و ۷۶۶۵ دینار حسب رسد ششماهه سنه مزبوره [یک کلمه ناخوانا]. بمعرفت و کلاء عالیحضرت رفعت و همت پناه
- [۳۳] و نواب همایون نجابت افاضت دستگاه علامی مهامی عالیجاهی شمسالفک السیاده و النجابه و العز و الاقبال امیر محمدباقر
- [۳۴] الرضوی المتولی واصل مهدی مزبوره شد شرح رقم آنکه کتاب رفعت و معالی پناه توفیق آثاری مستوفی الملکی مبلغ ۱ تومان ۷۰۶۵ دینار عراقی
- [۳۵] از بابت مواجب تخاقوی ئیل خواجه مهدی ولد محمدرضا تفنگچی تائین خواجه محمد طاهر رفعت و معالی پناه
- [۳۶] میرزا ابوالفتح مین باشی ترشیزی که بموجب پروانچه اشرف اقدس از عشر و ده نیم سیورغالات سرکار فیض آثار نوشته است
- [۳۷] از قرار تصدیق عالیجاه بیگلربیگی دارالقرار قندهار و قبض خواجه مهدی تفنگچی مذکور شرحی که نوشته شد
- [۳۸] در دفتر بمهر نمود چنانچه معمول و مستمر و صادر شد که بتنخواه صادر برات نوشته شد مقرر را بموجب بتاریخ شهر جمادی الاول ۱۰۶۸ باسم رفعت پناه خواجه غیاثا حرره از بابت وجه بموجب قوی ئیل تفاوت تخاقوی ئیل شرح محل قوی ئیل خراسانی
- ۵ تومان
۲۹۹۵
- قوی ئیل
عراقی
۱ تومان
۷۶۶۵
- ۲ تومان ۱۱۹۷
- ساکماق: ۳۳۴۷۵

